هو العلیم

شرح و ترجمه احوال حضرت آية ‌اللَه مرحوم حاج شيخ محمد جواد انصاری همدانی

حضرت علامه آیة اللَه حاج سید محمد حسین حسینی طهرانی

مطلع انوار، جلد 2

این زندگي نامه به قلم حضرت علامه طهراني تحریر گردیده است و ما عین کلمات را از دست نوشته های ایشان نقل می کنیم.

بسم ‌اللَه الرّحمن الرّحيم

سطور ذيل شرح و ترجمه احوال حضرت آية اللَه مرحوم حاج شيخ محمد جواد انصاري همداني ره است كه به قلم اين حقير سيد محمد حسين حسيني طهراني به رشته تحرير در آمده در وقتي كه از همدان از اين جانب طلب نموده بودند اين حقير صورت آن مرقومه را در اينجا براي حفظ يادداشت نمودم:

فريد عصر و حسنه دهر ترجمان قرآن و سلمان زمان آية اللَه العظمي عالم عابد زاهد ناسك عالم باللَه و بامر اللَه مرحوم فردوس وساده حاج شيخ محمّد جواد انصاري همداني رضوان اللَه عليه فرزند مرحوم حجة الاسلام حاج مولي فتحعلي همداني كه نيز از بزرگان علماي عصر خود بوده‌اند در سنه ١٣٢٠ هجريّه قمريّه چشم به جهان بگشود و در همان دوران طفوليّت تحت سرپرستي والد ماجد مقدّمات علوم ادبيّات فارسي و عربي و منطق را فراگرفت و در دوران شباب فقه و اصول فقه را نزد علمائي كم‌نظير مانند مرحوم حجة الاسلام خلخالي و حجة الاسلام حاج سيد علي عرب كه از برجستگان علماء و اعاظم فقهاء‌ بوده‌اند در شهر خود فرا گرفت و رشته‌هاي طبّ خمسه يوناني و ابوبكر زكريّاي رازي و ديگران را نزد دانشمند عاليقدر طبيب حاذق و حكيم متبحّر مرحوم حاج ميرزا حسين كوثر همداني آموخت و در اين زمينه نيز به مرتبه عالي رسيد.

مرحوم حاج شيخ محمد جواد پس از اتمام تحصيلات فوق به جهت تكميل فقه و اصول و نيل به درجه اجتهاد در حدود سي سالگي، رهسپار ديار مقدّس قم گرديد و در حوزه مقدّسه علميّه مدتها در محضر درس مرحوم استاد بي‌بديل مرجع وقت حضرت آية اللَه العظمي حاج شيخ عبدالكريم حائري اعلي اللَه مقامه الشريف حاضر مي‌شد و بهره‌ها مي‌برد تا در اين رشته تخصّصي نيز به مقام عالي نائل آمده و به اجازات اجتهاد متعدّدي از مراجع ذي قيمت وقت فائز و در مسائل فقهيّه صاحب فتوي گرديد به طوري كه بعضي از دوستان و آشنايان از ساكنين همدان و غيره از آن مرحوم تقليد نموده‌اند. در همين ايّام بود كه نسيم نفحات قدسيّه الهي بر دلش وزيد و بارقه جذبات عالم علوي بر قلبش رسيد و بمصداق كلام مولي الموحدّين اميرالمؤمنين عليه السلام حَتّي دَقَّ جَليله و لَطُف غَليْظُه وَ بَرقَ لَهُ لامِعٌ كَثِيرُ البَرق يكباره شراشر وجودش دگرگون شد و جذبه عالم قدس تار و پود وجود او را بر باد داده با نور الهي بدنبال گمشده خود براي رسيدن بحرم امن و امان اضطراب و تشويشي بس هائل در او پديد آمد خواب و خوراك او را ربود روزها در بيابانها و كوههاي اطراف قم مي‌رفت و تا شبانگاه بتماشاي مظاهر جمال و حيات مي‌پرداخت و با تنهائي و خلوت اُنسي عجيب گرفت و چون سالياني چند از رحلت عالم نحرير و عارف بي‌بديل استاد كامل اخلاق و معارف الهي انسان العين و عين الانسان مرحوم حاج ميرزا جواد آقا ملكي تبريزي اعلي اللَه مقامه الشريف ميگذشت هر چه نزد شاگردان معروف او تردّد نموده و براي فتح و گشايش رفت و آمد كرد اثري نيافت تا رفته رفته آتش عشق در نهاد او رو بفزوني گذارد و هموم و غموم فراق جان او را مشتعل ساخت ناله جانسوز او هر بيننده‌اي را متأثر ميكرد و گريه جانگداز او هر نظر كننده‌اي را ميگداخت كه ناگهان پرده غيب بالا رفت و حجابهاي ظلماني و نوراني بر كنار شد نسيم جانبخش رحمت از حرم الهي بوزيد و آب حيات جاوداني ببقاي حقّ بر دل سوخته او بعد از فناي او از مراحل نفس سرازير شد و از جزئيّت بكليّت پيوست در اين هنگام بموطن اصلي خود همدان مراجعت نموده براي دستگيري عاشقان و دلباختگان حرم انس الهي سكني گزيد با نهايت آرامش و سكون براي رسانيدن حقّ و تبليغ شريعت غرّاء‌ و ابلاغ احكام و مسائل شرعيّه و معارف الهيّه و تربيت نفوس ناقصه اهتمامي عجيب نمود در هر مسجدي خالي و مخروبه بود اقامه جماعت مينمود بسياري از اوقات در مسجد پيغمبر و اخيراً در زاويه‌اي از مسجد جامع شهر اقامه جماعت داشت مأمومين او غالباً مردمان پاكدل و پاكيزه ضمير و عاري از هوي و هوس بودند در جلسات شبانه و روزانه سيّار در منزل شيفتگان حقائق تردّد مينمود و شاگرداني بس ارجمند و عاليقدر تربيت نمود كه هر يك از آنان در همدان موجب عبرت همگان و حجّت الهي بر مردمان در اخلاق و كردار بودند در روزهاي جمعه با معيّت شاگردان بصحرا ميرفت و با يك دنيا از خلوص و صفا و حقيقت بتماشاي آيات الهي در مظاهر امكان و افق وسيع حيات مي‌پرداخت مرحوم انصاري رضوان اللَه عليه براي برآوردن نيازمنديهاي مسلمانان اهتمامي وافر داشت و در امر بمعروف و نهي از منكر ساعي بود و در كمك و مساعدت بفقرا و مسكينان و ارباب حوائج بي‌اختيار بود و در بذل و انفاق بي‌نظير بود به بسياري از خانواده‌هاي مستمند كه در گوشه و كنار شهر بودند و ابداً كسي از حال آنان اطّلاع نداشت مساعدتها مي نمود و با دست خود براي آنان غذا و لباس و فراش ميبرد و در اخفاي اين امور بحدّي دقيق بود كه حتّي از شاگردان خاصّ خود مخفي ميداشت.

مرحوم انصاري رحمة اللَه عليه نه تنها يك مرجع ديني و عالم روحاني بود بلكه مانند يكفرد از افراد خانواده در برآوردن نيازمنديهاي آنان مي‌كوشيد در زمستانهاي سرد همدان براي معالجه مرضي و عيادت بيماران آنان بمنزلشان مي‌رفت و چه بسا خود تهيّه دوا مي‌نمود و تا فرد گرفتاري را از گرفتاري آزاد نمي‌نمود آرام نمي‌گرفت آرامش دل او در آرامش خلق خدا بود و نگراني او در اضطراب آنان.

بنابراين اگر گفته شود كه مرحوم انصاري قدّس سرّه يكي از اولياي برجسته قرن اخير بود كه قولاً و عملاً و اعتقاداً و سرّاً در ممشاي ائمه طاهرين صلوات اللَه عليهم اجمعين قدم مي‌زد و نمونه‌اي بود كه سيره و اخلاق و معارف آن بزرگواران را به عصر خود معرّفي مينمود سخن بگزاف نرفته است.

مرحوم انصاري رحمه اللَه مدت بيست و پنج سال در همدان بهمين منوال زندگي نمود تا بالاخره بواسطه عارضه قلبي در روز جمعه دوّم شهر ذوالقعده ـ الحرام ١٣٧٩ هجريه قمريه دعوت الهي را لبيّك گفت و مرغ روحش بآستان قدس پرواز نمود در تشييع جنازه او تعطيل عمومي شد و اكابر علماي متقّي و پرهيزگار همدان شركت كردند و سه روز در مسجد جامع مجلس ترحيم برپا بود جنازه او را به قم حمل و در يكي از مقبره‌هاي شمالي در جوار قبر حضرت علي بن جعفر سلام اللَه عليهما بخاك سپردند.[[1]](#footnote-1)

1. مطلع انوار، ج 2، ص 293 [↑](#footnote-ref-1)